



دولت ابزار کافی برای مدیریت ارزی تعبیه نکرده است، به همین دلیل مجبور شده است رژیم نرخ ارز ثابت را اجرا کند ولی با قیمت ۲ برابر قیمت قبلی و این هم پایدار نیست زیرا اگر فاصله ارز مبادله ای و ارز آزاد بیش از این شود، چه بسا مجبور شوند روی همین قیمت فعلی هم تجدید نظر کنند

این چند ماه نیفتد یک مشکل بسیار مهم خواهد داشت که شکاف قیمتی ارز است.

از سوی دیگر دولت متهم است به این که در شرایطی که تحریم هایک شبهه تفیق نیفتاده است و از مدت ها قبل تهدید می کردند و در فرآیند چند ماهه تحریم بانک مرکزی و نفت اجرایی شد، دولت در این فرصت چند ماهه نیامد خط مشی و برنامه مشخصی برای بازار ارز طراحی کند. در نتیجه اواخر سال گذشته مابه التفاوت نرخ ارز رسمی و آزاد را از حساب بانک هابر داشت کرد. این بدترین نوع مدیریت ارزی بود که پس از این که بحران ارزی باعث شد دلار به حدود ۳ هزار تومان برسد، مرکز مبادلات ارزی راه اندازی شد که به نظر در اقدامات ۲ سال اخیر بانک مرکزی بهترین اقدام است هر چند کامل نیست.

قانونی هم نیست.

در این زمینه چرا مجلس با توجه به این که بیشتر باینده جامعه و فعالان اقتصادی در ارتباط است و مشکلات ارزی را رصد می کرد، حداقل تلنگری به دولت بزند و دولت را تحت فشار قرار دهد؟

تصور می کنید الان هم مجلس دارد دولت را تحت فشار می گذارد؟ نه! سوال من این است که پس از ۲ سال به تازگی یک فوریت طرح مقابله با خلل ارز در مجلس تصویب شد. این تاخیر بسیار زیادی است؟

بله! ببینید الان باین واقعیت مواجه هستیم که اثر بخشی مجلس کاهش یافته است. مجلس به هر حال باید یک اثر بخشی داشته باشد. یعنی دولت وقتی خود را مجری مصوبات مجلس بداند، بدون اجازه مجلس قدم از قدم بر نمی دارد. دولت دهم چنین ارتباطی را با مجلس برقرار نکرد، نه با مجلس هشتم و نه با مجلس نهم.

همین الان طرح حمایت از تولید که با حدود ۵۰ امضای مجلس تدوین شده است، این اشکال را دارد که بخش عمده مواد آن تأکیدی است. یعنی قوانینی در گذشته داشته ایم که اجرا نشده است و عین ماده قانون مصوب را در این طرح آورده اند. این فاجعه است یعنی دولت قانون مصوب مجلس را اجرا نمی کند و مجلس برای این که کاری کرده باشد دوباره همان قوانین را باز تصویب می کند. خوب اگر دولت می خواست قوانین را اجرا کند که همان ابتدا اجرایی کرد چرا دوباره قانون بگذاریم. این که شما می فرمایید چرا مجلس کاری نکرد. خوب می توان پاسخ داد یا مجلس باید شمشیر را از رو بپندد و به دنبال استیضاح و طرح کفایت نداشتن باشد یا اگر واقعاً شرایط عمومی جامعه اقتضای این اقدامات را ندارد نتیجه همین می شود.

مجلس در این شرایط چه کاری می تواند انجام دهد.

این نظریه، نظریه بدبینانه ای است که من هیچ وقت آن را نپذیرفته ام. جاهای مختلف مطرح شده است و مردم هم زیاد سوال می کنند. نتیجه این نظریه این می شود که دولت خودش در افزایش قیمت ارز دخالت دارد. این نظریه به این دلیل بدبینانه است که برای همه دولت ها هیچ چیزی هزینه اش بیش از تورم نیست. شما اگر دولت را یک موجود عاقل تصور کنید، موجود عاقل هزینه و فایده را محاسبه می کند. در قبال این هزینه ای که با افزایش نرخ ارز به دولت تحمیل شده است، یعنی دولت به ناکارآمدی متهم شده است. الان دولت به ناکارآمدی متهم است و می گویند دولت نمی تواند بازار را مدیریت کند.

واقعا متهم هم هست؟

بله متهم است. اگر نظریه این باشد که دولت به عمد ارز را گران کرده است باید ببینیم در قبال آن چه چیزی گیرش می آید. فرض کنیم به ازای هر دلار ۲ هزار تومان مابه التفاوت گیرش می آید، باین پول می خواهد چه کاری انجام دهد. چه منافعی برایش وجود دارد، در برابر هزینه ای که در پی دارد برای دولت ها حیثیت از همه چیز مهم تر است. بین معضلات اقتصادی اگر مثلاً نابرابری، بیکاری و تورم را به عنوان مهم ترین شاخص های اقتصادی فهرست کنید در اس همه آن ها تورم است. دولت ها حاضرند بخشی از جامعه بیکار شوند اما تورم نباشد. چون بیکاری بخشی از جامعه را اذیت و عده ای را ناراضی می کند اما تورم کل جامعه را ناراضی می کند، لذا این نظریه را که دولت به عمد باعث افزایش نرخ ارز شده است گرچه خیلی مطرح می شود قبول ندارم.

پس اگر بخواهم سوال قبلی را جمع بندی کنم، وضعیت ارزی ما دچار آشفتگی شده است. دولت ابزار کافی برای مدیریت تعبیه نکرده است و حضور جدی در بازار ندارد، در حالی که باید رژیم شناور مدیریت شده را اعمال کند، مدیریت را اعمال نمی کند به همین دلیل دولت مجبور شده است رژیم نرخ ارز ثابت را اجرا کند ولی با قیمت ۲ برابر قیمت قبلی و این هم پایدار نیست زیرا اگر قرار باشد فاصله قیمت ارز مبادله ای و ارز آزاد بیش از این شود، چه بسا مجبور شوند روی همین قیمت فعلی هم تجدید نظر کنند. به تازگی جلسه ای با اعضای خانه صنعت و معدن داشتیم، پرسیدند چرا مرکز مبادله نیازهای آن ها را به طور کامل تامین نمی کند، پاسخ دادم دلیلش روشن است وقتی قیمت ارز ۱۲۲۶ تومان بود و در بازار به حدود ۱۴۰۰ تومان رسیده بود، دولت سختگیری می کرد و می گفت باید ببینیم ارز ۱۲۲۶ تومانی برای واردات چیست؟ البته این سختگیری در برخی بخش ها بود و گرنه برای برخی کالاهای غیر ضروری هم در همان زمان ارز می دادند. ولی اگر دولت بخواهد از بیت المال حفاظت کند باید بگوید قیمت ارزی که دارم می دهم مثلاً ۱۵۰ تومان از آن تر از ارز آزاد است، این ارز را برای چه مواردی می خواهی استفاده کنی. الان این مابه التفاوت ۱۰ برابر شده است، شما نرخ ۲۵۰۰ تومان مرکز مبادلات را بنرخ ۴ هزار تومان بازار آزاد مقایسه کنید. این از نظر من یک چالش است. اگر دولت باز دهم بخواهد این وضعیت ارزی را به ارتب بر دو هیچ اتفاقی در

در کشور اعمال کند. رژیم شناور مدیریت شده به این معناست که قیمت ارز را در بلندمدت بازار تعیین می کند اما در کوتاه مدت دولت دخالت می کند تا نوسانات را کنترل کند. به عبارتی دیگر اگر امروز قیمت ارز به عنوان مثال ۱۰ تومان باشد و قیمت بلندمدت ارز یعنی آن چه که بازار اقتضای می کند، منابع ارزی و تقاضای اقتصاد ما آن را اقتضا می کند به طور فرضی ۳۰ تومان باشد، رژیم شناور مدیریت شده به این معناست که ما باید اجازه دهیم قیمت ارز ۳۰ تومان شود اما نه یک روزه، بلکه دولت باید این افزایش قیمت را مدیریت کند و به آرامی قیمت ارز را در اختیار بگیرد و اندک اندک آن را به قیمتی که باید برسد افزایش دهد. یعنی رژیم شناور مدیریت شده محصول دولت و بازار است. وقتی قرار باشد رژیم شناور مدیریت شده اعمال شود، دولت باید ابزار داشته و در بازار حضور فعال داشته باشد. تا اواخر سال ۱۳۹۰ به این دلیل که عرضه ارز فراوان بود و دولت منابع ارزی فراوان داشت و آن شکاف قیمتی ایجاد نشده بود، دولت به این فکر نبود، زیر چنین مسئله ای نداشت. به اندازه ای که بازار تقاضا داشت دولت ارز عرضه می کرد و مشکلی نبود. یک غفلت جدی صورت گرفت که من خدمت مسئولان بانک مرکزی هم گفته ام. از زمانی که شکاف قیمتی در بازار ارز ایجاد شد یعنی قیمت بانک مرکزی از قیمت بازار فاصله گرفت، از همان لحظه بانک مرکزی باید در بازار حضور فعال می داشت. در رژیم شناور مدیریت شده بانک مرکزی باید در بازار حضور فعال و به ویژه در شرایط بحرانی باید حضور غیر علنی داشته باشد. من به دوستان بانک مرکزی و وزرای اقتصادی گفته ام که شما الان چه تعداد آدم در بازار ارز دارید که ارز می فروشند ولی آدم شما هستید.

یعنی بانک مرکزی برای مدیریت بازار باید تا این جا هم پیش رود؟

بله! رژیم شناور مدیریت شده معنایش همین است. من همان روز نخست که مرکز مبادلات ارزی راه اندازی شد به آن جا رفتم. سپس جلسه ای با وزیر صنعت و معاون بانک مرکزی و مجریان مرکز مبادلات داشتیم. آن جا گفتم موفقیت شما در این خواهد بود که به تعبیر اقتصادی شما pricemaker (قیمت ساز) باشید. اگر pricetaker (قیمت پذیر) باشید هنری به خرج نداده اید. چرا که بازار قیمت را تعیین می کند و شما هم دنبال قیمت بازار حرکت می کنید. ابتدا طرح متولیان مرکز مبادلات ارزی این بود که قیمت ارز را ۲ درصد زیر نرخ بازار تعیین کنند. یعنی اگر به فرض قیمت دلار در بازار ۴ هزار تومان است مرکز مبادلات باید دلار را ۳۹۲۰ تومان بفروشد. این گونه موجودیت آن مرکز از بین می رفت و واقعاً اگر مرکز مبادلات می خواست قیمت پذیر باشد نمی توانست به حیات خود ادامه دهد. خب الان قیمت را خودشان دارند تعیین می کنند و به قیمت مرکز مبادلات یک ثباتی داده اند که جزو اقدامات خوششان است. گرچه من هم در مجلس و در سوالی که از وزیر اقتصاد داشتم به صراحت گفتم و هم در جلسه مشترک مجلس و دولت که چند روز قبل (اواخر بهمن) برگزار شد به صراحت گفتم تأسیس مرکز مبادلات ارزی خلاف قانون بود و باید از مجلس مجوز گرفته می شد ولی با اغماض از این مسئله تأسیس این مرکز اقدام خوبی بود. در مجلس هم که آقای وزیر اقتصاد آمد گفتم مفید بودن یک اقدام فرعب قانونی بودن آن است. این اقدام قانونی نیست هر چند کار خوبی است. اگر از مجلس مجوز می گرفتید مجلس اجازه می داد و همراهی می کرد. الان چالشی که توقع داریم در حوزه ارز برای دولت بعدی ایجاد شود این است که یک شکاف قیمتی در بازار ارز ایجاد شده است. ارز از وسیله مبادله به یک کالای سرمایه ای تبدیل شده است و دولت و بانک مرکزی هم حضور فعال در بازار ارز ندارند. در واقع برای این که حضور فعال داشته باشند بانک مرکزی باید افرادی داشته باشد. هم چنین باید ابزارهای اطلاع رسانی داشته باشد. من به دوستان بانک مرکزی گفتم شما چند سایت اینترنتی دارید که آدم شما باشند، بدون این که کسی بداند. چرا دیگران قیمت بگذارند و شما اعلام کنید. اصلاً باید قیمت را شما خط بدهید و اعلام شود و کسی هم نداند. توجه کنید بسیاری از قیمت های بازار قیمت واقعی نیست بلکه قیمت کاذب است. با هزار دلار خرید و فروش که قیمت تعیین نمی شود ولی متأسفانه الان این اتفاق دارمی افتد، چون بانک مرکزی حضور ندارد.

برخی معتقدند بانک مرکزی حضور دارد اما یک حضور دلالت ندارد یعنی دارد از این فرصت استفاده می کند؟

ویژه نامه نوروزی
روزنامه خراسان

فروردین ۱۳۹۲